



گفت‌وگو
با فرهاد جم
درباره بازیگری و
زندگی

برایم اولویت ندارد که سرتیتر روزنامه‌ها باشم

از تاریخ تلویزیون است. در سال‌های بعد از جنگ، اتفاق مهمی بود. در قاب تلویزیون زن و شوهر با هم گفت‌وگو می‌کردند، چیزی که نداشتیم. فانتزی شیرینی داشت که در آن سال‌ها نادر بود و همین باعث شد هنوز هم نسل‌های بعدی تماشاگرانش کنند. درباره چرایی عدم تکرار چنین تجربه‌هایی در تلویزیون امروز، جم می‌گوید: آن زمان کیفیت فدای کمیت نمی‌شد. امروز روند تولید شتاب زده است و خیلی راحت از کیفیت می‌گذرند.

او که اجرای مسابقه «راز سیب» را هم تجربه کرده، درباره اجرا می‌گوید: نمی‌توان یک نسخه واحد برای همه بازیگران پیچید. اجرا تجربه خاص خود را دارد. به نظر من انجام دادنش بهتر از انجام ندادنش است. در لا به لای سخنانش می‌توان به این نکته پی برد که فرهاد جم خود را سپرده به جریان زندگی و از تجربه‌های تازه استقبال می‌کند: باور دارم هر پیشامدی خیری دارد. یک بار پیش از پروژه بزرگی پایم شکست و کنار رفتم. بعد دیدم آن کار موفق نشد. همیشه فکر می‌کنم هر اتفاق بد جلوی اتفاق بدتری را می‌گیرد.

او از تجربه حضور در جبهه نیز سخن می‌گوید: به‌عنوان جوانی بیست‌ساله سرباز بودم و حدود ۲۳ ماه در جبهه گذراندم. مرگ آنجا بسیار نزدیک بود؛ با کسی حرف می‌زدی و لحظه بعد جلوی چشم می‌افتاد. تجربه‌ای عجیب برای جوانی در آن سن.

وقتی از او درباره انگیزه بازگشت به صحنه می‌پرسیم، جم پاسخ می‌دهد: علاوه بر فاکتورهایی که گفتم، واقعا حس کردم دلم می‌خواهد دوباره با تماشاگر ارتباط نفس به نفس داشته باشم. خوشحالم اگر فکر کنم کار ما حال خوشی به تماشاگر بخشیده است. امیدوارم حال تئاتر بهتر شود. این روزها مردم از نظر اقتصادی در فشارند. آرزو دارم حال مردم خوب شود و شرایط برایشان فراهم‌تر گردد.

نمایش «آماس» هر روز ساعت ۱۸:۳۰ در تماشاخانه سنگلج اجرا می‌شود و حضور فرهاد جم در آن، هم خاطره‌ای شیرین از گذشته و هم تجربه‌ای تازه برای مخاطبان تئاتر به ارمغان آورده است. بازیگری که مسیر زندگی‌اش را به گزیده‌کاری و تجربه‌های چندرسانه‌ای سپرده، با بازگشت به صحنه دوباره یادآور شده است که تئاتر همچنان فضایی زنده و نفس‌گیر است که می‌تواند روح مخاطب را لمس کند.

جم در عین حال به وضعیت امروز تئاتر نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: متأسفانه تئاتر هم مثل سینما شده. اجراهایی روی صحنه می‌روند که هرچند تماشاگر دارند اما ارزش تئاتری چندانی ندارند. مدت‌هاست اجرای با کیفیتی از شکسپیر ندیده‌ام. آخرین بار «هملت» به کارگردانی قطب‌الدین صادقی را به خاطر دارم. او با این حال بر اهمیت چرخه اجرا تاکید دارد: شبی شاید بیش از صد نمایش در تهران اجرا می‌شود. حتی اگر بیشترشان سطحی باشند، همین هم خوب است چون عده‌ای از این راه زندگی می‌کنند. امیدوارم در میان این صد نمایش، دست‌کم ده اثر قابل اعتنا هم باشد.

حضور دوباره جم روی صحنه به نمایش «آماس» مربوط می‌شود. او درباره انتخاب این کار توضیح می‌دهد: اولین چیزی که مرا جذب کرد کارگردان نمایش، آرش سنجایی بود که سال‌هاست با هم دوستی و مراوده داریم. دومین عامل نویسنده متن، بختیار علی بود که آثارش را دوست دارم. نمایشنامه واگویی تک‌نفره‌ای است که در اجرای ما سه بازیگر بازی می‌کنند. اگر فرصت تمرین بیشتری داشتیم شاید شکل تک‌نفره متفاوتی می‌شد. بازگشت به سنگلج برای حال و هوای خاصی داشته است: تماشاخانه خیلی تغییر کرده؛ صندلی‌ها، پرده و پشت‌صحنه عوض شده. در این سال‌ها اجراهایی از آقای رادی اینجا دیده بودم و حالا خودم دوباره روی صحنه‌اش هستم.

جم تاکید می‌کند که از ابتدا بازیگر نبوده بلکه به ساختن علاقه داشته است: دوست داشتم کارگردانی کنم، اما مسیر زندگی مرا به بازیگری کشاند. بعد از نمایش‌های دانشجویی، علی‌رکن مرا به داریوش فرهنگ معرفی کرد و در «راه افتخار» بازی کردم. محمدرضا شریفی‌نیا هم مرا به مهرجویی معرفی کرد و در «پری» بازی داشتم. همین شد که مسیرم تغییر کرد و سال‌ها طول کشید تا دوباره فیلم کوتاه بسازم و بعد داستان‌هایم را منتشر کنم. او همچنین اشاره می‌کند که تجربه بازیگری به کارگردانی و نویسندگی نیز کمک می‌کند: وقتی نقش‌های مختلف بازی کرده‌ای، درک بهتری از جهان شخصیت‌ها داری.

نام فرهاد جم برای همیشه با سریال «همسران» پیوند خورده است. او آن را چنین توصیف می‌کند: این مجموعه تکه‌ای

فرهاد جم پس از سال‌ها بار دیگر به صحنه تئاتر بازگشته است، در همان تماشاخانه سنگلج که بیش از سه دهه پیش نخستین تجربه بازیگری‌اش را رقم زده بود.

او با لیخند از خاطره اولین اجرای خود در این سالن یاد می‌کند و می‌گوید: جالب است که ۳۴ سال پیش همین‌جا با نمایش «ساحره سوزان» اولین بار بازی کردم. استاد زنجانیور کارگردانی می‌کردند و در کنار بازیگرانی چون یاسینی و دهقان‌نسب، ما دانشجویان هم روی صحنه بودیم. آن نمایش سرآغاز ورود من به دنیای بازیگری شد.

پس از آن تجربه، جم با رکن‌الدین خسروی در دو اثر مهم روی صحنه رفت؛ «باغ آلبالو» را در تالار چهارسو و «ادیپ شهریار» را در تالار اصلی اجرا کرد. او همچنین در نمایشی به نام «باغ وحش شیشه‌ای» کنار رضا عطاران بازی داشت. نمایشی که به اجرای عمومی نرسید اما با راهنمایی استاد حمید سمندریان پیش رفت و تجربه ارزشمندی برای او بود.

با وجود گزیده‌کاری، فرهاد جم همواره با دقت انتخاب کرده است که در چه پروژه‌ای حضور داشته باشد. او درباره این نگرش توضیح می‌دهد: برایم اولویت ندارد که حتما سرتیتر روزنامه‌ها باشم. در «همسران» آن قدر دیده شدم که بعد از آن حتی دوست داشتم دیگر دیده نشوم. دهه هشتاد درگیر ساختن فیلم شدم و چند فیلم کوتاه و بلند ساختم و دهه نود بیشتر مجموعه داستان و رمان نوشتم و الان هم زمانی آماده چاپ دارم.

به گفته او، دهه هفتاد برایش دوره‌ای پرکار بود: ۷۳ سال «همسران» را بازی کردم، بعد مسابقه «راز سیب» را اجرا کردم و در «دزدان مادر بزرگ» هم بازی داشتم. در واقع کل دهه هفتاد پکیجی بود که خیلی در آن دیده شدم. بعدتر دوست داشتم دنبال علایقم بروم و رفتم؛ فیلم ساختم و داستان نوشتم و منتشر کردم.

او درباره معیار پذیرش نقش در تئاتر نیز می‌گوید: اول متن است. اگر نمایشنامه‌ای از ادبیات نمایشی جهان باشد در اولویت است. البته گاهی متن نویسنده‌ای ناشناس هم می‌تواند خوب باشد. ولی تمرین‌های طولانی تئاتر همیشه دشوار است، با این حال اگر متن قابل اعتنایی باشد استقبال می‌کنم.



ایسنا



نویسنده و کارگردان:
مجید اسماعیلی

تهیه‌کننده:
مجتبی امینی